

هنر تعزیه در عصر ناصری با تکیه بر سفرنامه‌های خارجی

دکتر حمیدرضا صفاکیش

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی

Dr.h.Safakish@gmail.com

چکیده

تعزیه به عنوان نمادی شیعی - ایرانی است که در باره واقعه کربلا و کشته شدن حسین بن علی (ع) و دیگر مصائب اهل بیت به دست افرادی که هریک نقشی از شخصیت های اصلی را بر دوش دارند نشان می دهد. ناصرالدین شاه که سخت خود را شیفته معصومین بویژه امام حسین (ع) نشان می داد بیشتر از شاهان دیگر قاجار خود را پایبند به عزاداری عاشورا می دانست و در اجرای آن ذوق واهتمام زیادی نشان می داد این هنر در عهد ناصری رواج چشمگیری یافت و همین امر سبب جلب توجه بسیاری از سیاحان خارجی شد، که هریک برداشتی از آن داشتند. مقاله حاضر به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و مراجعه به سفرنامه‌های خارجی با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی دیدگاه سفرنامه‌نویسان خارجی به نمایش تعزیه پرداخته است. در یک نگاه کلی نتیجه‌ی این پژوهش بیانگر آن است که بسیاری از سفرنامه‌نویسان خارجی برداشتی سطحی داشته و به درک درستی از واقعیت تعزیه و علت جایگاه آن نزد ایرانیان نرسیدند و نگاه اروپا محور آنان مانع از درک عمیق فرهنگ ایرانی - اسلامی شده است.

واژگان کلیدی: واقعه کربلا، تعزیه، عهد ناصری، سفرنامه نویسان خارجی

تعزیه در اصطلاح به گونه‌ای نمایش منظوم گفته می‌شود که در آن عده‌ای اهل ذوق و کار- آشنا در مناسبت‌های مذهبی و به صورت غالب در جریان سوگواری‌های ماه محرم، برای با شکوه‌تر نشان دادن آن مراسم و یا به نیت آمرزیده شدن مردگان، آرزوی بهره‌مندی از شفاعت اولیای خدا به روز رستاخیز، تشفی خاطر، بازیافت تندرستی و یا برای نشان دادن ارادت و اخلاص فزون از اندازه به اولیاء به ویژه اهل بیت پیامبر (ص)، با رعایت آداب و رسوم و نیز بهره‌گیری از ابزارها و نواها و گاه نقوش زنده‌برخی از موضوعات مذهبی و تاریخی مربوط به اهل بیت (ع)، واقعه روز عاشورا را پیش چشم بینندگان باز می‌آفرینند.

عزاداری در محرم یکی از آئین‌های مورد توجه شاهان قاجار به شمار می‌رفت و آن‌ها از این فرصت برای نشان دادن پایبندی خود به شرع و ارادشان به اهل بیت (ع) استفاده می‌کردند.

تعزیه در دوره قاجار به عنوان نمایشی آیینی، جلوه‌ای برجسته یافت و با باورهای مردم ایران آمیخته شد. طوری که فقرا و ثروتمندان جامعه همه به این عقیده رسیدند که یاری دادن به تعزیه ثوابی عظیم داشته و شفاعت امام (ع) را در روز قیامت در پی دارد، بنابراین برای رونق آن همت گماشتند. مخصوصاً در دوره-ی ناصرالدین شاه به دلیل علاقه و یاری شخص شاه و تبعیت اشراف از او تعزیه از جایگاهی ویژه در جامعه‌ی سنتی - مذهبی ایران عصر قاجار برخوردار شد. و از آنجایی که عصر ناصری نسبت به دوره‌های قبل از خود ارتباط بیشتری با دنیای غرب یافته بود، بنابراین تعداد زیادی از سیاحان خارجی به این سرزمین قدم گذاشتند که البته بسیاری از آنان به طور پنهان یا آشکار کارمندان دولت مطبوع خود بودند و از آنجایی که شرق به عنوان منبع ثروت، همواره برای غرب اهمیت داشت، شرق شناسی نیز از اهمیت خاصی برخوردار شد و تعزیه به عنوان نمادی از فرهنگ ایرانی - اسلامی مورد توجه سفرنامه‌نویسان خارجی قرار گرفت و منجر به برداشتهایی از سوی آنان شد که این پژوهش در پی بررسی آن است و می‌خواهد بداند که در سفرنامه‌های خارجی عصر قاجار چه نگاهی به نمایش آیینی تعزیه شده است؟ به نظر می‌رسد خارجیانی که در دوره قاجار به ایران سفر کرده‌اند به درک درستی از ماهیت اصلی برپایی تعزیه نزد ایرانیان نرسیدند و فقط به جنبه‌ی ظاهری آن پرداختند.

البته ذکر این نکته ضروری است که بر خلاف معنی لغوی تعزیه، غم انگیز بودن شرط حتمی آن نیست و ممکن است گاهی شادی بخش نیز باشد. بدین معنی که اگر چه هسته اصلی آن گونه ای سوگواری و ذکر مصائب اهل بیت است، اما با گذشت زمان و تحول کمی و کیفی و گونه گونی و تعدد تعزیه هایی که در ذم دشمنان دین و خاندان پیامبر (ص) پرداخت شده، نه تنها صفت اندوهبار بودن را تاحدی از دست داده بلکه گاهی مضحک و خنده دار نیز هستند.

تعریف تعزیه یا تعزیت در لغت به معنی سوگواری، عزاداری (لغت نامه دهخدا و فرهنگ معین) و روضه خوانی (فرهنگ عمید) است. اما به معنای متعارف، «شبهه گردانی یا شبهه خوانی یا تعزیه نمایشی بوده است. در اصل بر پایه ی قصه ها و روایات مربوط به زندگی و مصائب خاندان پیامبر اسلام و خصوصاً وقایع و فجایی که در محرم سال ۶۱ هجری در کربلا برای امام حسین (ع) و خاندانش پیش آمد، ولی به زودی گسترش یافت و همه ی جنبه های آیینی و داستانی و فرهنگ مردم را شامل شد». (بیضایی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴)

تاریخ دقیق پیدایش تعزیه معلوم نیست. برخی از پژوهشگران (مسکوب، ۱۳۵۱، ص ۸۲). ریشه ی این نمایش آیینی را به ایران قبل از اسلام و سوگ سیاوش پهلوان ایرانی نسبت می دهند. اما اگر تعزیه را به معنی شبهه خوانی ندانیم و فرض را بر این قرار دهیم که در ابتدا صرفاً به معنی عزاداری بوده است، چنان که در کتاب تشیع در مسیر تاریخ از قول ابو مخنف آمده است؛ نخستین سوگواری بعد از حادثه ی کربلا توسط اسیران خاندان پیامبر بر اجساد شهدای کربلا صورت گرفته است که حتی اشک دشمنان نیز جاری شد (جعفری، ۱۳۸۰، ص ۲۳۰) و نیز بیضایی به نقل از تاریخ ابن کثیر شامی آورده است که معزالدوله احمدبن بویه دستور داد تا دهه ی اول محرم بازارهای بغداد را ببندند، لباس سیاه عزا بپوشند و به تعزیه ی حضرت سیدالشهداء (ع) پردازند. بعد از آن هر سال تا انقراض دولت دیلمیان شیعه مذهب، رسم تعزیه در دهه ی اول محرم برپا بود. (بیضایی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵)

بیشترین رواج تعزیه با حمایت حکومت صفویان شیعه مذهب صورت پذیرفت. شاردن که در زمان صفویه به ایران مسافرت نموده در سفرنامه ی خود شرح کاملی از عزاداری ماه محرم در اصفهان که خود شاهد آن بوده داده است. «در حقیقت فکر اینکه واقعه کربلا و حواشی آن را به صورت نمایش تراژدی و تأثر انگیز به نام تعزیه در آوردند، بعد از دوران صفویه پیدا شده و این کار به تدریج، صورت عملی به خود گرفته است...». (بنجامین، ۱۳۶۳، ص ۲۸۲) «اندکی بعد نادرشاه افشار که علاقه مند به دوستی ایران و عثمانی

بود، سعی کرد از توسعه‌ی این نمایش خاص شیعی جلوگیری کند و تا حدودی هم موفق شده ولی بعد از او در دوره زندیه این نمایشها که ضمناً تنوعی هم بود در زندگی یکنواخت عامه مردم، ادامه یافت... «(بیضایی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱) سپس با روی کار آمدن سلسله‌ی قاجار بر گسترش و عمومیت تعزیه میان عامه - ی مردم و اصناف مختلف افزوده شد، و تعزیه دچار تحول مثبت کمی، کیفی و اجتماعی گردید و توجه و علاقه‌ی اعیان و اشراف و شاه و درباریان به تعزیه افزایش یافت. (شهیدی، ۱۳۸۰، صص ۱۰۵ و ۱۰۶) و پیداست که با جلب توجه قشر بالای جامعه تعزیه توانست از رسمیت بیشتر و پشتوانه‌ی مستحکم‌تری برخوردار گردد. بنابراین تعزیه نتیجه‌ی سالها فراز و فرود و تحول و تکامل است و امری نیست که یک مرتبه به اجرا در آمده باشد.

بنابراین در ایران پس از اسلام و بخصوص در دوره‌های صفویه و قاجار به ویژه در عهد ناصری شاهد ظهور، رواج و رونق درامی تاریخی و اسطوره‌ای به نام تعزیه هستیم. اگرچه بعضی دعوی کرده اند که هیچ مذهبی مناسب تر از اسلام برای رشد اساطیر نیست و دلیلش را هم قلع و قمع بقایای بی نهایت گوناگون مذهب شرک یعنی کثرت خرافات و بت پرستی برای حفظ و صیانت و خلوص یکتا پرستی دانسته اند (پیتز آوری، ۱۳۶۳، ص ۱۴۹)، لکن شیعه به سبب آن که حکومت را فقط برای امامان معصوم و نواب ایشان می داند و غیر آن ها را در اریکه قدرت غاصب می داند، با واقعیت تاریخ درگیر شده است. یعنی تاریخی را که واقعیت داشت، انکار و تکذیب کرد. تاریخی آرمانی که هنوز نبود ولی می بایست باشد را برحق می دانست و این «ناخوانی» و «نافرمانی» را که ریشه و خصلتی سیاسی- اجتماعی و نه تنها اخلاقی داشت، نبرد بین خیر و شر و نور و ظلمت اسطوره زیربنای آن است به گمانم بذر این نمایش سوگوار در ذهن و ضمیر شیعیان بر اساس عدالت و داد، تعزیه شد. (صفا کیش، ۱۳۹۶، ص ۱۹۲)

بنابر این شاید بتوان گفت مادام که تصویر تضاد میان خیر و شر و روشنایی و تاریکی و دیوسازی و فرشته خوئی در آینه و ضمیر شان می افتد مقوله اعتقادی و مفاهیم انتزاعی است که در دو گروه متخاصم جلوه می کند و به پیدایی ساختاری اجتماعی در خود به سامان یا نابسامان می انجامد و سوگواری در قالب آموزه های دینی و قدسی به ظهور می رسد که تعزیه در دوره ناصری شاهد بارز این معنی است. در هر حال تعزیه رسمی آئینی است که بسان هر آیین نمایشی است. اما موضوعش که اصولاً به شهادت امام حسین(ع) مربوط می شود تاریخی است و چون حاکی از مظلومیت خاندان پیامبر (ص) می باشد حالتی ماندگار پیدا کرده و تبدیل به اسطوره گردیده است. زیرا از رویارویی با ظلم و از شهادت کسی که

پرچمدار روشنایی است و رمز جاودانی شهادت در راه اعتلای کلمه حق را دارد حکایت می کند ، چنانچه شاعر می گوید :

بسی خون کرده اند اهل ملامت ولی این خون نخسبد تا قیامت

هر آن خونی که بر روی زمانه است برفت از چشم و این خون جاودانه است

چو ذاتش آفتاب جاودان بود ز خون او شفق باقی از آن بود

چو آن خورشید دین شد ناپایدار از آن خون چرخ می گردد چو پرگار

(خسرو نامه منسوب به عطار ، تصحیح احمد سهیلی ، خوانساری ، انتشارات زوار ، سال ۲۵۳۵)

به طور کلی احساساتی که به علت سوگواری های محرم تجلی می کند ، خواه به صورت نمایش ، خواه نوحه خوانی و خواه تعزیه بسیار عمیق و اصیل است و حتی خارجی ها و آن هایی که مسلمان نیستند ، اقرار می کنند که تحت تأثیر آن ها قرار گرفته اند . (ادوارد براون، ۱۳۶۹، ص ۱۸۶)

در مورد عظمت هنر نمایش تعزیه گفته شده که هیچ نمایشنامه ای تا کنون نتوانسته است با مصیبتی که در میان مسلمانان معروف به داستان غم انگیز عاشورای امام حسین (ع) است برابری کند . زیرا این تئاتر مذهبی به ظرافت داستان و تأثیرات آن هاله ای جاودانه بخشیده است . (همان، ص ۱۸۷) و صحنه مصیبت بار مرگ امام حسین (ع) همدردی بی عاطفه ترین خواننده را حتی در یک اقلیم و زمان بر می انگیزاند . سید الشهداء که قهرمان مورد علاقه ایرانیان است ، در چشمشان بالاتر از هر کس است چرا که شفاعت او برای پیروان گنهکار نزد خدا مانند پیامبر مورد پذیرش قرار می گیرد . به عقیده براون شیعیان ایران ، شهادت امام حسین (ع) را وسیله طلب بخشایش گناه و شفاعت در روز قیامت می دانند و به همین خاطر عزادار و سوگوارند . (دوارد براون، ۱۳۶۹ ، ص ۱۸۹)

تعزیه علاوه بر جنبه نمایشی مهیج خود و عزاداری برای اهل بیت (ع) گاهی جنبه ی سیاسی نیز داشت و گاهی هم به عنوان جهاد با دشمن خارجی به شکل پیکاری مقدس مطرح بود و گاهی هم به معنای جهاد با نفس که پیامبر به آن جهاد با دشمن درون گفته و آن را جهاد اکبر مطرح کرده بودند، منظور می شد . علاوه بر آن مربوط به امر به معروف و نهی از منکر بوده و درس های اخلاقی دیگری که جزء ارزش های اعتقادی مردم بود را به همراه داشت . (جعفریان ، ۱۳۸۷ ، ص ۲۳۲)

تعزیه در دوره قاجار رواج و گسترش فراوان یافته و چند تن تعزیه گردان معروف در آن دوره ظهور کرده و شهرت یافته اند در این بین میرزا محمد تقی معروف به تعزیه گردان و ملقب به معین البکاء، سید احمد خان، سید عبدالباقی بختیاری، حاج سید مصطفی میر عزا و آقا سید کاظم میرغم و میرزا محمد تقی از همه معروفتر بوده اند. (ادوارد براون، ۱۳۶۹، ص ۱۸۶)

تعزیه در دوره‌ی ناصرالدین شاه

دوره‌ی پنجاه ساله‌ی حکومت ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ هـ.ق)، اوج تحول و گسترش تعزیه خوانی در ایران و در واقع عصرطلایی تعزیه‌خوانی در تهران است. عبدالله مستوفی می‌گوید: «ناصرالدین شاه که از همه چیز وسیله‌ی تفریح می‌تراشید، در این کار هم سعی فراوان به خرج داد و شبیه‌خوانی را وسیله‌ی اظهار تجمل و نمایش شکوه و جلال سلطنتش کرد و آن را به مقام صنعت رساند». (مستوفی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸۸)

پس از آن اشراف و دولتمردان این عصر نیز به پیروی از شاه به حمایت از تعزیه‌خوانی پرداختند و همین امر سبب پیشرفت تعزیه شد. اما چندی بعد تعزیه از حالت صرفاً مذهبی خارج شد و تفنن و طنز نیز به آن افزوده شد. ظاهراً این تحول بدست میرزا محمد تقی تعزیه گردان پدید آمد و پسرش ملقب به معین البکاء نیز از طرفی سطح ارزش اجرایی تعزیه‌ها را بالا برد و از طرف دیگر بر طنز و تفریح پیش واقعه‌ها افزود. پسر معین البکاء نیز ناظم البکاء لقب داشت. به واسطه‌ی شهرت این پدر و پسر، این دو عنوان عمومیت پیدا کرد و برای مشخص کردن همه‌ی تعزیه‌گردانها و وردست‌هایشان به کار رفت. (بیضایی، ۱۳۸۵، صص ۱۳۵ و ۱۳۶) البته این هزل و مسخره به بهانه‌ی هجو و تحقیر کردن دشمنان دین به متنها اضافه شد. (اهمان، ص ۱۳۲) این پیش واقعه‌ها مانند «... تعزیه‌ی دره الصدف و تعزیه‌ی حضرت یوسف و عروسی دختر قریش...» (مستوفی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۸) بود که تعزیه را از حالت کاملاً مذهبی آن خارج می‌کرد.

اعتمادالسلطنه در روزنامه‌ی خاطرات خود معترض این نمایشهاست و آن را مضحک‌تر از نمایشهای خنده دار در تماشاخانه‌های فرنگستان می‌داند و از خدا می‌خواهد تا عاقبت کار را به خیر کند. اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹، صص ۱۳۲ و ۵۱۸.

^۱- در عصر ناصری تعزیه با پشتیبانی‌های مستقیم و غیر مستقیم شاهزادگان و حکومتگران راه رشد خود را پویید و به اوج خود رسید. به گزارش گوبینو در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه در میان سال‌های (۱۲۷۴ تا ۱۲۸۰ق) دویست تا سیصد جا برای مراسم تعزیه اعم از حسینیه و تکیه و میدان وجود داشت که هر کدام دویست تا سیصد نفر را در خود جای می‌داد. (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۸۱، ص ۴۴۳)

پولاک در سفرنامه‌ی خود اشاره می‌کند که افراد معتقد با نمایش صحنه‌ای (تعزیه) مخالف بودند و آن را هتک حرمت ائمه دانسته و در ایام عزاداری فقط روضه خوانی بر منبر را شایسته می‌دانستند و برخی از افراد روحانی نیز اگر چه به تماشای تعزیه می‌رفتند اما به آن با دیده‌ی تحقیر می‌نگریستند (پولاک ۱۳۶۱، ص ۲۳۶). اما ناصرالدین شاه دلبستگی خاصی به تعزیه داشت و بنا به اظهار اعتمادالسلطنه حتی در مسافرت‌های خود نیز دستور می‌داد تا برایش تعزیه بخوانند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹، ص ۷۶۴)

تعزیه در عهد ناصری را هر چند بعضی از علما تأیید نمی‌کردند ولی یک نوع سرگرمی و دل مشغولی برای مردم کوچه و بازار و ده نشینان بود و اکثر بازیگران تعزیه را روستاییان تشکیل می‌دادند و هر دسته از تعزیه خوان‌ها نمایش خود را در مدت دو ماه محرم و صفر به صورت سیار در شهر‌ها و دهکده‌های نزدیک به هم اجرا می‌کردند. (شمیم، ۱۳۷۲، ص ۴۱۵)

سیاحان خارجی که در دوره‌ی قاجار به ایران آمدند و مراسم تعزیه را در تکیه‌ی دولت و جاهای دیگر دیدند، هر یک در سفرنامه‌های خود گزارشاتی نوشتند که به عنوان شاهدان عینی، ارزش تاریخی زیادی دارد. اما از آنجایی که هم درک درستی از تعزیه نداشتند و هم بعضی از آنها با تکبر خاص اروپایی خود به فرهنگ مردم ایران و خاورمیانه می‌نگریستند، در پذیرفتن همه‌ی حرف‌های آنان باید احتیاط کرد. بسیاری از آنان مطالب تکراری و صورت ظاهر تعزیه را نوشتند. (دالمانی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۹ و کلارا کولیورایس، ۱۳۶۶، ص ۱۸۶).

اما برخی از آنان، مخصوصاً بنجامین به خوبی تعزیه خوانیهای تکیه‌ی دولت را شرح داده و وفاداری شیعیان ایران نسبت به خاندان پیامبر را می‌ستاید و تعجب می‌کند که مردم مکه و مدینه که زادگاه پیامبر (ص) و محل ظهور اسلام است به خاندان نبوت وفادار نمانده‌اند. (بنجامین، ۱۳۶۳، ص ۲۷۹) او خوشحال است که به وسیله‌ی ظهیرالدوله داماد شاه موفق به دیدن سه قسمت از تعزیه‌ها شده است. زیرا معمولاً خارجی‌ها اجازه‌ی حضور در مراسم تعزیه را نداشتند. (همان، ص ۲۸۶)

ایرانیان برای اینکه نمایش تعزیه مورد تمسخر افراد غیر شیعی واقع نشود حساسیت به خرج داده و معمولاً غریبه‌ها را راه نمی‌دادند. (اوبن، ۱۳۶۲، ص ۱۹۳) هرچند که سفرای خارجی گاهی توسط صدراعظم یا شاه دعوت می‌شدند. اما در عوض افرادی مانند لیدی شیل تلاش می‌کنند تا اینگونه نشان دهند که تماشای تعزیه برایشان کسل‌کننده است و بر حسب اجبار شرکت کردند، زیرا امتناع از پذیرش دعوت دلیل بر بی-

نزاکتی بود. (شیل، ۱۳۶۲، ص ۶۸). یا دکتر فوریه می‌نویسد که: «در دهه‌ی اول محرم در غالب نقاط تهران مراسم تعزیه بر پا می‌شود و مناظری پیش می‌آید که چیزی غیر از وحشی‌گری نیست». (فوریه، ۱۳۸۵، صص ۱۱۰ و ۱۱۱) که البته به نظر می‌رسد اشاره‌ی فوریه بیشتر به مراسم قمه‌زنی و افراط‌گری‌های بعضی از عزاداران باشد که در طول زمان مورد اعتراض واقع شده و در نهایت، امروز تقریباً چنین عملی منسوخ گشته است.

در دوره ناصری مراسم تعزیه بسیار باشکوه انجام می‌شد. این مراسم دسته جمعی بود و از این رو موجد نوعی افکار عمومی - مذهبی در جامعه می‌شد. زیرا هر کس به قدر وسع خود در آن مشارکت داشت. حتی اعیان و اشراف خردسال میان شرکت کنندگان اعم از دارا و ندار سقایی می‌کردند و به نشانه‌ی تشنگی شهدای کربلا آب و شربت پخش می‌کردند. مشارکت در این مجالس و اجرای نقش در هر موضوع تعزیه، فلاح و رستگاری به حساب می‌آمد. چون رنج و محنت و مصائب شهدای کربلا موجبات رهایی این همه مؤمن را فراهم می‌کرد. (صفاکیش، ۱۳۹۰، ص ۴۵۱)

یک جنبه‌ی زیبای تعزیه نیز که از نظر سفرنامه‌نویسان خارجی (ویشارد، ۱۳۶۳، ص ۱۶۳ و دالمانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۷۰) پنهان نمانده است عزاداری همه‌ی مردم اعم از شاه و گدا در محرم است. بسیاری از شاهزادگان و رجال دیگر علاوه بر اینکه در ایام محرم در تکیه‌ی دولت حضور پیدا می‌کردند در منازل خود هم مجالس تعزیه برپا می‌کردند. (شهیدی، ۱۳۸۰، صص ۱۷۷) و در جایی که تکیه وجود نداشت مراسم تعزیه در میدانهای عمومی، رواق مساجد، در حیاط خانه‌ها و هرجای وسیعی (سرن، ۱۳۶۲، ص ۱۶۷) که ظرفیت پذیرش مردم را برای تماشا داشت برگزار می‌شد.^۱ «... بنا به سنن مذهبی هرکسی برای حسین (ع) بگرید و باعث گریه دیگران گردد از خوبان است ...»^۲ همین باور سبب می‌شد تا اشراف و ثروتمندان مخارج تعزیه را بپردازند و حتی اموالی را نیز وقف بسط و رواج آن نمایند. ناصرالدین شاه از میان سلاطین قاجار به تعزیه دلبستگی خاص داشت و در تکیه دولت تهران که دارای یکی از مجهزترین و ماهرترین گروه‌های نمایشی آن عصر بود، حضور می‌یافت و از تعزیه استفاده می‌کرد.

^۱ - اجرای تعزیه به لحاظ مکانی منحصر به جا و مکان ویژه‌ای نیست اما به دلیل پیوستگی اش با سوگواری‌های عمده مسلمانان به ویژه مراسم ماه محرم در تکایا و یا حسینیه‌ها یا فضای باز اطراف آن‌ها، صحن مساجد، میدانچه‌ها و چهارراه‌ها و یا در عصر جدید، در تماشاخانه‌ها اجرا می‌شود. (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۸۱، ص ۴۴۱)

^۲ - مجموعه مقالات نخستین سمینار بین‌المللی نمایشهای آیینی و سنتی، گردآورنده حمیدرضا اردلان، ۱۳۸۸، ص ۲۰۱.

تعزیه خوان ها از خوش صدا ترین خوانندگان انتخاب می شدند و دکور کامل در صحنه ها به کار می رفت. در تکیه دولت جنگ سواره بین صحابه امام حسین (ع) و سربازان عبیدالله بن زیاد و همچنین مبارزه تن به تن، اسارت بردن زنان و دختران آن حضرت، سخنرانی شجاعانه حضرت زینب (س) در کوفه و شام در مجلس بزم یزید و عبیدالله و امثال آن که تجسم آن ها برای گروه های عادی و معمولی امکان پذیر نبود، نمایش داده می شد. (شمیم، ۱۳۷۲، ص ۴۱۵)

این مراسم عموماً وسیله شکوه و جلال سلطنتی ناصرالدین شاه می گردید و نقاره‌خانه دولتی نیز وارد نمایش شده، گاهی اوقات باعث تجمل و تفرج هم می شده است مثل تعزیه حضرت یوسف و تعزیه امیر تیمور که هیچ ارتباطی با فاجعه کربلا نداشت ولی به صورت یک صنعت و هنر خاص در آمده و مستمع خود را داشت.

تکیه دولت

در تهران در هر محله‌ای تکیه‌ی خاصی وجود داشت که از محل درآمد موقوفات و یا شرکت دسته جمعی اهالی محله هزینه‌های آن تأمین می‌شد. (اوژن اوبن، ۱۳۶۲، ص ۱۹۳). که این نشان دهنده‌ی استقبال زیاد مردم از مراسم ماه محرم بود.

با شکوه‌ترین تکیه‌ها تکیه‌ی شاه (سرنه، ۱۳۶۲، ص ۱۶۷) یا همان تکیه دولت بود. مادام کارلاسرنا نوشته است که ناصرالدین شاه بعد از مراجعت از اروپا، به تقلید از آلبرت هال در لندن که تالار بسیار وسیع آن برای اجرای کنسرت ساخته شده بود، دستور ساخت تکیه دولت را داد، ولی این بنا هیچ شباهتی به آن ندارد. (همان، ص ۱۶۲). ظاهراً این بانو خواست بگوید که ناصرالدین شاه نتوانسته است بنایی مانند آلبرت هال بسازد. در صورتی که شهیدی تقریباً مطمئن است که ساختمان تکیه دولت در سال ۱۲۹۰ هـ ق یعنی سال اولین سفر ناصرالدین شاه به اروپا پایان یافته بود و نظر کسانی که نوشته‌اند تکیه دولت تقلیدی از آلبرت هال بوده است را نمی‌پذیرد. (همان، ص ۱۶۲) در هر صورت تکیه دولت بنای مدوری بود که بسیاری از سیاحان از زیبایی آن تعریف کرده‌اند. این ساختمان چهار طبقه که در ضلع جنوبی کاخ گلستان بنا شده بود گنجایش حدود بیست هزار نفر (بیضایی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳) را داشت. که خود دلیل آشکاری است بر

^۱ - در تعزیه از موسیقی نیز استفاده مختصری می شود. چنان که کاربرد آن تنها محدود می گردد به دو ساز بادی از جمله شیپور یا کرنا (برای اعلام برپایی تعزیه یا جنگ نمایشی سپاهیان ولی امروزه بیشتر قره نی برای سوزناک کردن لحظه های احساسی از جمله وداع و بی کسی) در کنار آن ها سنخ و طبل و در دوره ناصری علاوه بر این ها از گروه های نوازنده ارتش هم استفاده می شد. (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۸۱، ص ۴۴)

شدت علاقه‌ی شاه به تعزیه. بنجامین بعد از آنکه عظمت و شکوه بنای تکیه دولت را می‌ستاید، می‌گوید: «واقعاً توصیف زیبایی طاق‌ها و سردرهای هلالی شکل تکیه امکان‌پذیر نیست و ایرانی‌ها در حقیقت استاد این نوع معماری در جهان هستند». (بنجامین، ۱۳۶۳، ص ۲۸۸).

همه‌ی تکیه‌ها مطلقاً عمومی بودند (ستاری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۲) و هرکس از هر طبقه‌ای که بود می‌توانست راحت پا به تکیه بگذارد و اینطور که پیداست حتی می‌توانست در ایام محرم پناهگاهی برای فقرا نیز به حساب آید. البته جدای از تکیه‌های کوچک فراوانی که در زمان ناصرالدین شاه وجود داشت، تکیه‌ی سیدنصرالله متعلق به کامران میرزا فرزند ناصرالدین شاه، پس از تکیه دولت از تکیه‌های دیگر تهران زیباتر بود (شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹) و دیگری تکیه‌ی عباس‌آباد یا تکیه حاج میرزا آغاسی بود که تعزیه‌های دولتی در آن برگزار می‌شد که در آن زمان تکیه دولت معروف هنوز وجود نداشت. (شیل، ۱۳۶۲، ص ۶۸)

احساس و استقبال مردم از تعزیه

ذوق بر پایی تعزیه بیشتر در روزهای سوگواری ماه محرم با عزاداری امام حسین گسترانیده می‌شود چنان که گاهی هاله‌ای از آن در میان شیعیان کشورهایی چون هند، پاکستان، ترکیه، لبنان و عراق نیز به چشم می‌خورد که این ذوق و اهتمام به خودی خود به عنوان نوعی نمایش بومی کهن مورد علاقه مردم است. (دائرة المعارف تشیع، ۴۴۲، ۱۳۸۱)

یکی از چیزهایی که در تعزیه بسیار توجه سیاحان را به خود جلب کرده است، استقبال و علاقه‌ی زیاد مردم به تعزیه و احساس غم و اندوه شدید بینندگان آن است، که هر کدام از سفرنامه نویسان به نوعی آن را بیان کردند. مثلاً ارنست اورسل در این مورد می‌گوید: «به گمان من هیچ کس در دنیا قادر نیست میزان ناامیدی و خشم و ترحمی که قلب این جمعیت انبوه را می‌لرزاند، توصیف کند». (اورسل، ۱۳۸۲، ص ۳۴۲)

مادام دیولافوا نیز در مورد شدت حزن‌انگیز بودن تعزیه می‌نویسد: «خود نمایش دهندگان هم در این موقع با جمعیت گریه می‌کنند. حتی کسانی هم که نقش قاتلین را بازی می‌کنند می‌گریند. زنان مخصوصاً بیشتر از مردان با صدای بلند گریه می‌کنند و آه و ناله سر می‌دهند...». (دیولافوا، سفر ۱۳۷۸، ص ۱۳۳) مادام کارلاسرنا نیز در مورد شرکت خود در یکی از مراسم های تعزیه که در کنار انیس الدوله همسر ناصرالدین شاه نشسته بود توضیح می‌دهد که ملکه به تعزیه دلبستگی خاص داشت و جزئیات حوادث را می‌دانست و

می‌گفت برای من هم شرح دهند. او و سایر خانمهای همراهش از تماشای تعزیه سخت متأثر شده بودند و بر مصائبی که بر بزرگان دینشان گذشته بود، به شدت اشک می‌ریختند. (سرن، ۱۳۶۲، ص ۱۷۶)

در جریان نمایش تعزیه احساس اندوه چنان بر مردم غالب می‌شد که ناخود آگاه حس نفرتی عمیق نسبت به اشیاء خوانان در صحنه پیدا می‌کردند چنان که هانری رنه دالمانی نیز آن را درک کرده و می‌نویسد: «وقتی یزید از جلوی مردم عبور می‌کند، جمعیت چنان به خشم می‌آیند که مردها دشنامش می‌دهند و زنان به سویش آب دهان می‌اندازند.» (دالمانی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۸) «به هر صورت همه صحنه‌ها مهیج و منعکس کننده ظلمی بی‌نظیر و مقاومتی تحسین برانگیز از سوی ظالم و مظلوم بود.» (ویلز، ۱۳۸۹، ص ۳۲۷) «اندوه و ماتم این گروه عزاداران احترام شگفتی بود نسبت به قهرمان دلیری که پیکرش از بیش از دوازده قرن پیش در دشت کربلا آرمیده است ... اگر آیین خاکسپاری او در دوازده قرن پیش به اختصار برگزار شده، آوای آن در طول سالها با انعکاس ابدی طنین انداز بوده و تا به امروز رسیده است.» (بل، ۱۳۶۳، ص ۴۳) «پیام جهانشمول تعزیه، لزوم مقابله‌ی انسان با تاریخ یگانه‌سازی های حاکم است، حتی اگر آن درگیری به قیمت جان آدمی تمام شود.» (ستاری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹)

نتیجه

تعزیه برای ایرانیان شیعه به عنوان سنتی آیینی و با ماهیتی تاریخی - دینی بود که از اسطوره‌های ملی ایرانی مایه می‌گرفت و در واقع بهانه‌ای بود برای اعتراض به ظلمی که بر خاندان پیامبر(ص) رفته بود. چرا که بنابر اعتقاد شیعیان، پس از رحلت رسول اکرم (ص)، خلافت حق حضرت علی (ع) و اولادشان می‌باشد.

فرآیند تعزیه در ایران در طول سال های متمادی و به تدریج تکاملی تاریخی یافت و تبدیل به نمایشی شیعی شد. تطور و تکامل نمایش تعزیه و نیز بروز و ظهور اجتماعی بیشتر آن، به نقش حکومت های شیعه در سده های اسلامی، به ویژه از اواخر قرن چهارم هجری، و در ادامه در دوره صفوی و عهد قاجار مربوط می‌شود که در نهایت در دوره‌ی قاجار به دلیل حمایت شاهان و طبقه‌ی مرفه جامعه بر وسعت دامنه‌ی آن افزوده شد.

ناصرالدین شاه قاجار مهمترین عامل تألیف قلوب مردم را زنده نگه داشتن مراسم تعزیه و سوگواری بر امام حسین (ع) می دانست چرا که این حرکت فرهنگی ضمن حفظ ارزش های والای انسانی در جامعه ، نمایانگر رفتار ظالم از یک سو و مقابله مظلوم از سوی دیگر است . یعنی همان مصاف تاریخی بین حق و باطل که حق را پیروز می داند.

تعزیه به عنوان یکی از مراسم های اصلی در محرم و صفر توجه خارجیانی که به ایران سفر می کردند را نیز جلب کرد. اما واقعیت آن است که بسیاری از آنان درک درستی از فرهنگ دینی و ملی مردم ایران نداشتند بنابراین بدون اینکه ماهیت اصلی تعزیه را درک کنند فقط صورت ظاهری آن را می دیدند. از سوی دیگر، هم نحوه عزاداری مردم بر ایشان عجیب می نمود و هم خود برتر بینی غربی آنان سبب می شد که بسیاری از آنان دیدگاهی تحقیرآمیز داشته باشند. هرچند معدود افرادی از آنان به درک تقریباً درستی از تعزیه رسیده بودند اما به طور کلی اقامت کوتاه مدت آنان و عدم آشنایی آنان با زبان و اصطلاحات فارسی و اطلاعات اندک آنان از باورهای مذهبی ایرانیان و شنیده های آنان از این و آن، سبب سطحی نگری آنان می شد. اما از آنجایی که همیشه نگاه دیگران از بیرون سبب می شود تا انسان به کاستی های خود پی ببرد و از آنجا که همه چیز برای خارجیان تازگی داشت، همین سبب می شد تا ریزبینی ها و جزئی نگری هایی نسبت به رفتار مردم و جامعه عصر قاجار داشته باشند که از نظر نویسندگان داخلی نادیده انگاشته شد و اگر چه این نکته قابل تأکید است که نوشته های آنان را با احتیاط باید پذیرفت اما خرده گیری های آنان اگر قابل اعتنا باشد فرصتی است برای آسیب شناسی واقعی جامعه و از این جهت نوشته های آنان اهمیت می یابد.

۱. آوری، پیتر (۱۳۶۳)، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، چاپ اول، تهران، موسسه مطبوعاتی عطائی،
۲. اوبن، اوژن (۱۳۶۲). ایران امروز، ترجمه علی اصغر سعیدی، بی جا، زوآر،
۳. اورسل، ارنست، (۱۳۸۲). سفرنامه‌ی قفقاز و ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی،
۴. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، (۱۳۸۹). روزنامه خاطرات، تهران، امیرکبیر،
۵. براون، ادوارد، (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه دکتر بهرام مقدادی، تهران، انتشارات مروارید،
۶. بل، گرتروود، (۱۳۶۳). تصویرهایی از ایران، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران، خوارزمی،
۷. بنجامین، س - ج - و (۱۳۶۳) ایران و ایرانیان، ترجمه حسین کردبچه، بی جا، جاویدان،
۸. بیضایی، بهرام، (۱۳۸۵) نمایش در ایران، تهران، روشنگران و مطالعات زنان،
۹. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱) ایران و ایرانیان ایران سرزمین و مردم آن، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، خوارزمی،
۱۰. جعفری، حسین محمد، (۱۳۸۰) تشیع در مسیر تاریخ تحلیل و بررسی علل پیدایش تشیع و سیر تکوینی آن در اسلام، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
۱۱. جعفریان، رسول، (۱۳۸۷) تاریخ تشیع ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نشر علم،
۱۲. دالمانی، هانری رنه (۱۳۷۸) از خراسان تا بختیاری، ج ۱، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، طاووس،
۱۳. دائره المعارف تشیع (۱۳۸۱) زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، انتشارات محبی،

۱۴. دیولافوا، ژن (۱۳۷۸). سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه همایون فره‌وشی، تهران، قصه پرداز،
۱۵. ستاری، جلال (۱۳۷۹) پرده بازی (درباره تعزیه و تئاتر)، تهران، میترا،
۱۶. ستاری، جلال، (۱۳۸۶) زمینه‌ی اجتماعی تعزیه و تئاتر در ایران، تهران، نشر مرکز،
۱۷. سرنا، کارلا، (۱۳۶۲) آدمها و آیینها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، بی جا، زوآر،
۱۸. شمیم، علی اصغر (۱۳۷۲)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، شرکت چاپ و انتشارات علمی،
۱۹. شهیدی، عنایت‌الله (۱۳۸۰) پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی از آغاز تا پایان دوره ی قاجار، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران،
۲۰. شیل، مری، (۱۳۶۲) خاطرات لیدی شیل همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو،
۲۱. صفا کیش، حمید رضا، (۱۳۹۰) صفویه در گذر تاریخ، تهران، انتشارات سخن،
۲۲. صفا کیش، حمید رضا، (۱۳۹۶) عهد ناصری در گذر تاریخ، تهران، نشر مهاجر،
۲۳. فوریه، سه سال در دربار ایران از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ قمری، (۱۳۸۵). ترجمه عباس اقبال، تهران،
۲۴. کولیورایس، کلارا (۱۳۶۶) زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، ترجمه اسدالله آزاد، بی جا، معاونت فرهنگی آستان قدس،
۲۵. مجموعه مقالات نخستین سمینار بین‌المللی نمایشهای آیینی و سنتی (۱۳۸۸) گردآورنده حمیدرضا اردلان، تهران، نمایش،
۲۶. مستوفی، عبدالله مستوفی (۱۳۸۸) شرح زندگانی من تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آقا محمدخان تا آخر ناصرالدین شاه، تهران، زوآر،
۲۷. مسکوب، شاهرخ، (۱۳۵۱) سوگ سیاوش (در مرگ و رستاخیز)، بی جا، خوارزمی،
۲۸. ویشارد، جان (۱۳۶۳) بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، بی جا، نوین،

۲۹. ویلز، چارلز جیمز (۱۳۸۹) ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین قرا گوزلو، چاپ دوم، تهران، ناشر اقبال،